

فتوا در برابر کی باید صادر شود؟ حکومت افغانستان یا مزدوران پاکستان؟

مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان موضوع است به قدامت تاریخ شکل گیری پاکستان به عنوان یک کشور در جوار افغانستان، کشوری که از قالب هندوستان به رهبری محمد علی جناح در سال ۱۹۴۷ میلادی در جغرافیای جهان مستقلانه ظهور نموده و جزء از دولت های مستقل جهان گردید.

از آن تاریخ تا حال این دولت به عنوان غده سرطانی، ظهور اسرائیل گونه در این منطقه از آسیا داشته، به این معنی همانطوریکه اسرائیل از آغاز شکل گیری خودش به دست اندازی ها و پیش روی ها در مناطق همجوار خود چون فلسطین، لبنان، سوریه و ... مبادرت ورزیده و همواره برای همسایه های خود مشکل آفرین بوده، پاکستان نیز از یک طرف با هندوستان روی موضوعات مرزی جمو و کشمیر تلاش دارد که گاهی تا سرحد جنگ و آتش گشودن ها به پیش می روند و تا حال چندین بار دو طرف نیروهای خود را به سرحدات خویش غرض درگیری مارش نموده و گاهی منتج به درگیری خونین نیز گردیده اند، اما با وساطت سازمان ملل متحد و کشورهای بزرگ منطقه دوباره عقب نشینی نموده و به درگیری نقطه پایان گذاشتند و گاهی هم یکدیگر را، تهدید به استعمال بمب های هستوی می نمایند و از سوی دیگر این کشور با افغانستان روی معضله تاریخی دیورند نیز معضله دارد.

آگاهان باور دارند که هدف از ایجاد و ظهور گروه طالبان نیز روی این موضوع می چرخد و قتل داکتر نجیب الله رئیس جمهور اسبق کشور نیز ناشی از تن در ندادن وی به پذیرش خواست پاکستانی ها در امضای سند دیورند به نفع آن کشور بوده است و حال که راکت پراکنی ها در مناطق مرزی افغانستان شدت گرفته و تا کنون هزاران فیر راکت از آنسوی مرز به قلمرو افغانستان اصابت نموده که به گفته مسوولان امنیتی از سوی اردوی آن کشور فیرگردیده است نیز این امر را دنبال و اهداف خود را تعقیب می کنند.

در حالیکه مفاد مشخص در حقوق بین المللی همه کشور ها را ملزم می نماید تا به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یکدیگر احترام گذاشته به موارد که استقلال سیاسی طرف دیگر را مورد تهدید قرار میدهد مبادرت نورزند و حسن همجواری را در روابط با یکدیگر کاملاً در نظر گیرند، اصول که بار بار از سوی دولت مردان پاکستان نادیده گرفته شده و اکثرأ مغایر آن عمل نموده است. چنانچه از دهه هفتاد زمانی که گروه طالبان از مرزهای جنوبی افغانستان و زیر فرمان عده از افسران بلند پایه آن کشور وارد افغانستان گردیدند، تمام ارزش ها و هنجارهای این مملکت را نشانه رفته، با نهایت جدیت به تخریب زیربناها اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی مبادرت ورزیدند.

اکنون که به کمک جامعه جهانی مردم افغانستان قادر گردیدند که این هیولای قرن را از خاک خویش بیرون نموده و مضمحل نمایند، اما معماران اصلی آن، دوباره گروه مذکور را به آغوش گرفته و بعد از تجدید قوا برای بار دوم به افغانستان اعزام نمودند. اما مردم شریف افغانستان که از جنایات این گروه سفاک و متحجر در جریان پنج سال حاکمیت دکتواتورانه و ضد انسانی اش، به تنگ آمده بودند با زدن دست رد به سینه آنها، نخواستند که دوباره این گروه بر مقررات مردم حاکم و فرایند بهبودی و بهروزی افغانستان که از نو شکل گرفته بود، به مشکل مواجه شوند، به همین منظور در برابر اعمال ددمنشانه این جانپان، قد علم نموده آنها را قهرأ از مناطق خود بیرون راندند، چنانچه قیام های مردم در اقصا نقاط کشور از ولسوالی اندر ولایت غزنی شروع تا المار و قیصار ولایت فاریاب، میرزکه خوست و بعضی مناطق پکتیا و جاهای دیگر مؤید بر این ادعا است. این قیام ها معماران اصلی طالبان یا همان دستگاه استخباراتی پاکستان را به وحشت انداخته و در صدد آن شده اند تا با جمع آوری تعداد از علمای به اصطلاح دینی پاکستانی و بعضی از طالبان افراطی اش، فتوای را صادر نموده تا این قیام ها را غیر مشروع و خلاف دساتیر دینی عنوان نمایند و حکومت افغانستان را دست نشاندۀ کافران در منطقه بدانند و جنایت های طالبان را صیغه دینی بخشیده و رنگ و بوی شرعی دهند، این سازمان حامی تروریستی چندی قبل نیز سعی داشت فتوای را مبنی بر اینکه مکاتب افغانستان از سوی کافران تمویل و نصاب تعلیمی افغانستان نصاب غیر دینی است، کودکان در پرورشگاه ها زبان انگلیسی را می آموزند و بسا موارد دیگر را صادر و با صدور این گونه فتوا ها جلو رشد معارف و مکاتب را در افغانستان گرفته و به روند رو به توسعه این کشور نقطه پایان بگذارند.

در حالیکه همه مردم افغانستان به شمول علمای دینی این کشور شاهد اند و به طور متواتر از وراى رسانه ها شنیده اند که گروه مزدور پاکستان بارها و بارها دین و ارزش های دینی را زیر پای نموده و مراکز دینی چون مساجد را به آتش کشانده که در آن ده ها نسخه قرآن کریم یعنی کتاب مقدس آسمانی و بسیاری از کتاب های دینی دیگر بیرحمانه طعمه حریق و در آتش کینه و نفرت این گروه دد منش سوختند، چنانچه باری در ولسوالی اندر ولایت غزنی دست به این عمل شنیع زدند و در این اواخر در ولسوالی وایگل ولایت نورستان یک مدرسه دینی را همراه با تمام

کتب دینی که در آن بود، سوختانند، نمازگزاران را در هنگام عبادت خدای عزوجل اش در درون مسجد هدف حملات انتحاری قرار داده بیرحمانه از بین می برند نمونه های زیادی از آن را ما شاهدیم در همین اواخر در ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار نماز گزاران را در مسجد دولتزی هنگام ادای نماز هدف قرار دادند که از اثر آن ۱۹ نفر نمازگزار زخمی گردیدند و ده ها جنایت هولناک دیگر.

حال اگر قرار باشد فتوای صادر شود باید، همین علما دور هم جمع شوند و در مورد عواملن این اعمال شنیع که با حملات انتحاری، کشتن افراد ملکی و بیگناه، محاکمه صحرائی و سربریدن جوانان این سرزمین و قطاع الطریقی، جنایت بشری را مرتکب می شوند، فتوای خویش را صادر نمایند نه در برابر حکومت مشروع و قانونی افغانستان و تأسیسات عام المنفعه آن.

پایان